

وضعیت هنر معماری در دوره تیموریان

معصومه جمشیدی کوهساری*

چکیده

تیموریان سلسله‌ای بودند که اواخر قرن هشتم هجری، با حمله تیمور گورکانی به ایران و تصرف این کشور، روی کار آمدند و بیش از یک قرن، یعنی تا زمان ظهور صفویه روی کار بودند. ظهور آنها در شرایط خاصی از وضعیت ایران صورت گرفت؛ زیرا فاصله مرگ آخرین خان مغول (ابوسعید) تا ظهور تیمور، حدود نیم قرن طول کشید که در این مدت، حکومت واحد و مقتدری در ایران نبود و دولت‌های محلی بر سر قدرت درگیر بودند. پس اوضاع ایران، حضور یک قدرت یکپارچه را می‌طلبید. تیموریان نیز مانند مغولان با هرج و مرج و کشتار فراوان در نقاط مختلف ایران روی کار آمدند؛ اما به سرعت جذب فرهنگ و تمدن ایران شدند و خود نیز بر غنای آن افزودند. هنرهای بسیاری در این دوره به شکوفایی رسید که از جمله آن می‌توان به هنر معماری اشاره کرد. نمونه آشکار آن، بناهای شهر هرات است که به خصوص در زمان جانشینان تیمور به اوج زیبایی و عظمت رسید. در برخی دیگر از شهرها نیز آثار معماری از آن عصر به جا مانده است.

واژه‌های کلیدی: هنر، معماری، تیموریان، هرات، سمرقند.

* دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم (علیه‌السلام)

مقدمه

انسان بعد از غذا و لباس، به سرپناه نیاز دارد. در ابتدا این سرپناه صرفاً در حد برطرف کردن نیاز ساخته می‌شد؛ اما کم‌کم فن و هنر معماری پدید آمد و سپس تکامل یافت. هنر، یکی از موهبت‌های خداوند به انسان است.

معماری از هنرهای برجسته و شاخص ایرانیان است که به خصوص، پس از اسلام رونق یافت و به سبک خاصی از معماری تبدیل شد که آن را «معماری ایرانی - اسلامی» می‌نامیم. آثار باستانی به جا مانده از قبل از اسلام، نشان از این دارد که روح تمامی رشته‌های هنری و از جمله معماری، در نهاد ایرانیان بوده است و حتی اعراب مسلمان که در زمان انحطاط ساسانیان به ایران وارد شدند، تحت تأثیر این هنر قرار گرفته و از آن در ساخت و ساز شهرها و خانه‌هایشان استفاده کردند. یکی از تأثیرهای معماری اسلامی از ساسانی، ساخت شهر بغداد در زمان خلافت منصور عباسی است.

معماری اسلامی، از جمله فنونی است که در کنار دیگر مضامین هنری، به اروپا راه یافت و معماران اروپایی، از دانش و مهارت معماران مسلمان، در ساخت و ساز گنبد مساجد و غیره، استفاده کردند. کلیساهای بسیاری که با معماری اسلامی آمیخته است، بیانگر نفوذ معماری اسلامی است.

تیموریان حکومتی بودند که اواخر قرن هشتم هجری روی کار آمدند و در واقع، مؤسس این سلسله، یعنی تیمور لنگ، مانند مغولان با حمله و کشتار وسیع بر ایران، جنوب روسیه، شمال غربی هند، سوریه، عراق، آناتولی و غیره استیلا یافت. البته قابل بیان است که در زمان فتوحات تیموریان و یا حتی تا آخر دوره حضور آنها، برخی دولت‌های محلی نیز در بخش‌هایی از ایران حضور داشتند. هنر دوستی تیموریان مشهور است. هنر در عصر تیموریان شکوفایی بسیار یافت.

نمونه آشکار آن، شکوه و عظمت مکتب هرات در دوره تیموریان است. البته حضور عناصر ماهر ایرانی در رونق هنری و شهرت تیموریان نقش بسزایی داشت. یکی از مضامین هنری که در این زمان مورد توجه قرار گرفت، عبارت است از: هنر کتاب‌سازی و کتاب‌آرایی، نقاشی، خطاطی، هنرهای تصویری، فلزکاری، سفالگری، رونق ادب فارسی و نیز هنر معماری که به شکل برجسته در این دوران رونق یافت. آثار معماری زیادی از آن دوران به جا مانده است.

این مقاله سعی دارد تا اوضاع معماری را در دوره تیموریان و بالطبع تأثیر آن را در دوره‌های بعد بررسی کند. البته روشن است که هر دوره تاریخی متأثر از دوره قبلی‌اش است. اگر چه باید بپذیریم که هنر تیموری در اعصار بعد از خود تأثیر گذاشت؛ اما نباید این مطلب را از نظر دور داشت که قطعاً هنر تیموری، تحت تأثیر ادوار قبل از خود و به خصوص، دوره ایلخانی بوده است. همچنین پاسخ به این سؤال که شکوفایی هنر در این دوره، مدیون چه عواملی بوده است؛ مسئله بسیار مهمی می‌باشد. می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که در کنار هنردوستی و انعطاف هنری حکام تیموری، حضور هنرمندان ایرانی در این امر بی‌تأثیر نبوده است. در واقع، باید گفت که تیموریان، آغازگر یکی از درخشان‌ترین ادوار تمدن اسلامی بوده‌اند.

بدون شک در زمان حکومت آنها، معماری از نظر عظمت و بزرگی و از لحاظ غنای تزیین‌ها، به شکوه و شکوفندگی بی‌سابقه‌ای رسید. همچنین ریشه‌های هنر مغولی هند را می‌توان در هنر دوره تیموری ردیابی کرد؛ زیرا بابر، نخستین امپراتور مغولی هند، یکی از نوادگان بی‌واسطه تیمورلنگ بود.

وضعیت اجتماعی مردم در دوران تیموریان

دوران تیموریان در ایران، مقارن با دوران رنسانس در اروپا بود. اندیشه و فلسفه غالب عصر رنسانس، انسان‌مداری یا اومانیزم بود. برای فهمیدن وضعیت زندگی مردم در آن دوران (تیموریان)، ابتدا خلاصه‌ای از اوضاع اجتماعی و اقتصادی ایران آن زمان را بیان می‌کنیم.

آشنایی با مغولان

در مورد ظلم و ویرانی‌هایی که مغولان در ایران به بار آوردند، همه ما بسیار شنیده‌ایم؛ اما یادآوری آنها به نزدیک شدن نقش انسان در آن روزگار کمک می‌کند. اصولی که تیمور در سیطره بر ایران به کار گرفت، چنان شدید بود که انعطاف در آن را جز استثناء نمی‌توان پذیرفت. با پیشینه ذهنی که از رفتار مغولان در ذهن داریم که حتماً هم بی‌دلیل نیست، می‌فهمیم که انسان در این دوره در ایران، کوچک‌ترین نقشی ندارد. در واقع، وضعیت سیاسی و درباری ایران، نابسامان‌تر از آن بود که به انسان به عنوان یک موضوع خاص توجه شود و معماری و هنر با آن تطبیق یابد. تیموریان خسارت‌های بسیاری به ایران وارد کردند (به خصوص در دوره تیمور) و این خسارت‌ها، آن قدر عمیق بود که برای پر

کردن آن، توجه زیادی باید صرف می‌شد که تمام حواس انسان را از توجه به خودش به عنوان برترین موجود هستی باز می‌داشت.

هر چند در دوره رنسانس، تحولاتی به وجود آمده بود؛ اما ایران در آن روزگار شاید همچنان در همان خواب قرون وسطایی بود. مغولان که چیزی جز جنگ و جنگاوری نمی‌دانستند و به چادرنشینی مشهور بودند، جز سلطه بر مردم تیره بخت به چیز دیگری نمی‌اندیشیدند. هر چند جانشینان تیمور، ویران کاری‌های او را جبران کردند؛ ولی اینها نیز به انسان به چشم یک موضوع قابل تعمق و تفکر نگاه نکردند. در واقع، دوران حکومت تیموریان بر ایران را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد: اول، دوره‌ای که تنها به لشکرکشی‌های سلطه‌جویانه گذشت و دوم، دوره‌ای که صرف آبادانی ویرانی‌های دوره اول شد. پس انسان در دوره تیموریان، نه تنها هرگز به عنوان یک موضوع الهام‌بخش قرار نگرفت؛ بلکه بسیار کمرنگ‌تر از سایر دوران‌ها شد.

تأثیر تفکر اومانیستی در معماری رنسانس و تیموریان

بدون‌شک، نقش انسان در دوره رنسانس و تأثیر آن بر معماری و هنرهای آن دوره، غیر قابل انکار است. «درست در همان زمان بود که دایره در نظر بسیاری از معماران و نظریه‌پردازان عصر رنسانس، شکل هندسی کمال مطلوب بود؛ زیرا این شکل که آغاز و پایانی ندارد و فاصله تمام محیطش از نقطه مرکزی ثابت است، به نظر می‌رسید که بازتابی از شکل کائنات باشد. با وجود همه اعتقادی که معماران به این فکر داشتند، قشر روحانی سرسختانه طرفدار کلیساهای سنتی دراز بودند؛ زیرا این گونه کلیساها برای برگزاری مراسم مذهبی بسیار مناسب هستند.

ظهور تیموریان

بعد از آنکه ترس مردم از استیلای مغولان فرو نشست و بعد از آن، ایلخانیان نیز منقرض شدند، در نیمه دوم سده هشتم هجری، تیمور لنگ از هرج و مرج‌های سیاسی ایران سوء استفاده کرد و بر خاک ایران دست یافت و به مدت نیم قرن، ساکنان ایران را زیر پوشش خود داشت. او نیز مانند دیگر مهاجمان، سوغاتی مانند قتل و غارت را برای مردم به ارمغان آورده بود.

این صحنه پر تنش، در بعضی از نقاط ایران، مانند فارس، آذربایجان و بغداد، محیط فرهنگ‌پروری پدید آورد، که تشویق‌کننده دانش‌ها و حمایت‌کننده هنرها بود؛ ولی ضوابط بنیادین دین و دولت از هم گسست و سازمان دیوانی مملکت، یکپارچگی خود را از دست داد (دانشگاه کمبریج، ۱۳۸۲، ص ۵).

تیمور از ماوراءالنهر با لشکری خونریز به طرف ایران حرکت کرد و تمام خراسان، جبال یا همان غرب ایران، فارس و قسمتی از نواحی مجاور را به خاک و خون کشاند. هر چند لشکرکشی‌های تیمور، فقط به ایران محدود نشد و حتی تا شهر مسکو و از سوی دیگر، تا دمشق در سوریه فعلی و تا کشور هند (گورکانیان هند، بازماندگان تیمور بودند که حدود یک قرن در هند بر مسند قدرت بودند، دولتی که به خصوص حاکمان اولیه آن محبوب مردم هند بودند) و از سوی دیگر، تا غرب امپراتوری عثمانی ادامه یافت و همه جا با پیروزی همراه شد. در واقع، تیمور در طول زندگی خود، سرزمین‌های وسیعی را از چین تا مصر و از دهلی تا استانبول و مسکو، پایمال اسب سپاهیان خود کرد (کیانی، ۱۳۷۹).

نتایج حمله‌های تیمور

این حمله‌ها در قسمت‌های گوناگون، تأثیرهای مختلفی را بر جای گذاشت؛ اما در ایران و تمدن ایرانی باعث تشکیل سلسله‌هایی از ترکمانان، از یک سو و جانشینان خود تیمور، از سوی دیگر شد. در بخش‌های غربی و مرکزی ایران و حتی بخش‌های جنوبی، ترکمانان به قدرت رسیدند. دولت ترکمانان، از نژاد قراقویونلو و آق قویونلو در جای جای این فلات باقی ماند و تا ظهور صفوی ادامه پیدا کرد.

هنرمندان و معماران ایرانی با حمله، کشت و کشتار، ستم و ویرانگری این قوم و در دوره هرج و مرج و خودکامگی حکمرانان محلی، دست از هنر کشیدند. اما به تدریج که اقوام مهاجم با مظاهر فرهنگ ایرانیان آشنا شدند، آن را پذیرفتند. معماری ایرانی جان تازه‌ای گرفت و بر اثر آن، بناهای مذهبی و دیوانی احداث شد. هر قدر که کشور آرام‌تر و فرمانروایان بیگانه‌اش ایرانی‌تر و رام‌تر می‌شدند، آرایش بناها از درون و بیرون بیشتر و زیباتر می‌شد (میرجعفری، ۱۳۸۱، ص ۱۲۸).

قرن هشتم که در آن سعی می‌شد بناهایی ساخته شود تا خاطرات بد مغول از ذهن مردم پاک شود، به پایان رسید و تیمور در حمله‌های خود، شهرها را با خاک یکسان کرد، هر چند بعضی از خرابی‌ها به خواست او نبود. به هر حال،

ویرانی‌های تیمور از چنگیز کمتر بود. او بسیاری از اماکن مقدس را از ویران شدن حفظ کرد. وی طرفدار ساختمان‌های عظیم و زیبا بود (آیت‌اللهی، ۱۳۸۰، ص ۲۶۱).

از آنجا که پایتخت اصلی وی سمرقند بود، هنرمندان، صنعتگران، علما و شخصیت‌های برجسته شهرهای مفتوحه را به آنجا می‌برد، از جمله اینکه، هنرمندان بسیاری را از شیراز به آنجا برد. البته انتخاب سمرقند از سوی تیمور، بی‌دلیل نبوده است. سمرقند شهری زیبا بوده که در سفرنامه‌ها از آن به نیکی یاد شده است. از جمله اصطخری می‌گوید: «هوا، خاک و زمین سمرقند، از نیکوترین هوا و خشک‌ترین آن مواضع است... و اهل آن پیوسته بر اکتساب فضل، علم و ادب مشغول و بر اظهار مروت مشعوف می‌باشند. در دیار ماوراءالنهر، خاکی درست‌تر از خاک سمرقند نیست» (اصطخری، ۱۳۷۳، ص ۳۴۰). زیباترین هنرها در این عصر در خراسان مشاهده می‌شد؛ پس می‌توان گفت که تیمور با وجود اینکه بسیاری از شهرها را تخریب کرد و قتل‌عام‌های زیادی را صورت داد، دستور ساختن مساجد، مقبره‌ها، بازار و باغ‌های متعددی را داد و همواره این کار را با علاقه و پشتکار دنبال می‌کرد و خود نیز در طرح‌ها شرکت می‌نمود. در واقع، تیمور و خانواده او، سبب حرکت‌های جدید در معماری شدند. بیشتر آثار معماری به سال‌های آخر حکومت تیمور برمی‌گردد. بناها و معماری در این دوره، باز هم بر پایه شکل‌ها و ساختمان‌های دوره سلجوقی استوار است؛ ولی در سایه تسلط مغولان، مقیاس و عظمت تازه‌ای یافت و در تزیین بناها بسیار توجه می‌شد.

جانشینان تیمور نیز تشویق‌کننده فرهنگ ایرانی بودند. در زمان آنان، هنر ایرانی به شکوه دیگری می‌رسد. همه بناهای زیبایی که در عصر تیموریان در سمرقند ایجاد شد و دیگر بناهای به جا مانده از اولاد و نوادگان تیمور، نتیجه دسترنج معماران ایرانی است (میرجعفری، ۱۳۸۱، ص ۱۲۸). در زمانی که در اروپا، آغاز دوران رنسانس بود، در شهرهای سمرقند و بخارا نیز دوران رنسانس هندی در زمان تیموریان رونق گرفت که زیر نفوذ شدید ایرانیان بود. در چنین محیطی بود که بابر، یکی از نوادگان تیمور متولد شد و رشد یافت و با اینکه مدت زیادی پس از به دست آوردن تخت سلطنت دهلی زنده نماند (حدود چهار سال)؛ اما پایتختی باشکوه را در آگره بنیان نهاد. او شاهزاده‌ای دلیر، ماجراجو، دوستدار هنر، علاقه‌مند به زندگی خوب و در مجموع، شخصی جذاب و جالب بود (شامی، ۱۳۶۳، ص ۲۴).

بناهای ساخته شده زمان تیمور

معماری، هنری است که معمار یا معماران در فرایند شکل دادن به فضا با توجه به سنت‌ها، ارزش‌ها و فرهنگ مردمی ایجاد می‌کنند. پس معماری هر قوم، نژاد، فرهنگ و تمدنی، در درجه اول به جهان‌بینی آن تمدن متکی است و نیز از پیچیده‌ترین هنرها است (آزادی‌ور، ۱۳۷۹، ص ۱۱۱).

تیمور علاوه بر گردآوری هنرمندان در زمینه‌های مختلف در سمرقند، قصد داشت که مسجد جامعی بسازد که در جهان همانندی نداشته باشد. این بنا به یادبود نوه‌اش محمدسلطان ساخته شد بود که بسیار مورد علاقه وی بود و در آسیای صغیر فوت کرده بود. تیمور پس از بازدید ساختمان، به علت کوتاه بودن سقف، اتاق بزرگ آن را نپسندید و بی‌درنگ دستور داد تا دیوارهای آن را خراب کنند و برای بازسازی دوباره بنا، ده روز به معمار آن مهلت داد. این اتاق در همان ده روز فرصت مقرر ساخته شد. البته در برخی منابع آمده است که چون بنا را نپسندید، معمار آن را کشت (آیت‌اللهی، ۱۳۸۰، ص ۲۶۲). این مسجد بزرگ، چهارصد و شصت ستون داشت که هر گوشه آن، گلدسته‌ای برافراشته شده بود و گنبدی از مرمر صیقل یافته بر آن استوار بود. سپس تیمور قصد تجدید بنای آن را کرد. وقتی تجدید ساختمان این مسجد تمام شد و مورد پسند واقع گشت، تیمور به کار دیگری برای آرایش شهر سمرقند، پایتخت خویش دست زد. هر سال از چین، هند و سرزمین تاتار، همه‌گونه کالایی به سمرقند آورده می‌شد؛ زیرا که سرزمین‌های اطراف سمرقند، جزء مراکز عمده بازرگانی به شمار می‌آمد؛ اما در درون شهر هیچ جایی نبود که بتوان در آن این کالاها را به شیوه‌ای شایسته و مناسب انبار کرد و برای فروش عرضه کرد. بنابراین، تیمور دستور داد که خیابانی بسازند که از میان سمرقند بگذرد و در دو سوی آن دکان‌هایی بنا کنند که در آنها، همه‌گونه کالا بفروش برسد. برای انجام دادن این فرمان، دو تا از بزرگان دربار را برگزید و به آنان گفت که اگر در کار خویش کوتاهی کنند و شب و روز نکوشند، سر آنها را خواهد زد (کلاویخو، ۱۳۷۴، ص ۲۷۶).

اصولاً تلاش تیمور، در ابتدا تمرکز بر یادبود اعضای خانواده در گذشته‌اش بود و در این راستا، آرامگاه‌هایی را در مجموعه شاه زنده بنا کرد، که شانزده عمارت داشت (دانشگاه کمبریج، ۱۳۸۲، ص ۳۲۳). نام این مجموعه از نام پسرعموی پیامبر، قاسم بن عباس گرفته شده که آرامگاه وی از مدت‌ها قبل، زیارتگاه مهم سمرقند بود. در آنجا، بر اساس رسوم اسلامی، مرده را در کنار مقبره امامزاده یا شهیدی دفن می‌کردند. همچنین در سمرقند عده زیادی از

مسیحیان، اعم از ارمنی و یونانی (اورتدوکس) و نستوری و یعقوبی (یعاقبه پیرو یعقوب بردعی) بودند که تیمور بیشتر آنها را از کشورهای دیگر به آنجا منتقل کرده بود (بارتولد، ۱۳۶۶، ص ۱۰۳۸).

تیمور، کاخ بزرگی در زادگاه خود، «کش» بنا کرد. کلاویخو (مورخ دوران تیموری) که سالها بعد ساختمان نیمه کاره آن را دید، بیان کرد که بنای کاخ در آن زمان از نظر نقشه، جدید بوده است. نمای آن که دارای سه ایوان بود، اتاق‌های پذیرایی که به ایوان ورودی باز می‌شد، بلندای طاق ایوان ورودی که ۵۰ متر بود، ایوان مرکزی که به حیاط پوشیده از مرمر باز می‌شد، ایوان بزرگ دیگر که به تالار پذیرایی بزرگی باز می‌شد، دیوارهای پشت تالار که کاشی‌های لاجوردی، فیروزه‌ای، شیری، آبنوس، سبز و قهوه‌ای مایل به طلایی در آن جلوه می‌کرد. به لحاظ هندسی در تزیین‌ها، دقت شده بود تا نسبت‌های هماهنگی، این نقش عظیم را منظم کند. در کل، بنای کم نظیر و شاید بتوان گفت بی نظیری که از زمان ورود اسلام به ماوراءالنهر تا آن زمان در سرزمین‌ها و فلات ایران احداث نشد و در واقع، این نبوغ فکری و هنری ایرانیان را می‌رساند. تیمور در حمله‌هایش به ایران و به خصوص حضور در شیراز، شیفته باغ‌ها و بناهایش می‌شود و آن را به عنوان الگویی در ذهن خود نگه می‌دارد تا اینکه در سمرقند آنها را اجرا می‌کند. باغ دلگشا و باغ جهان‌نما در سمرقند، از این نمونه است.

از دیگر بناها می‌توان به مسجد بی بی خاتون یا بی بی خانم در سمرقند اشاره کرد که ساخت آن از ۷۷۷ تا ۷۸۳ هجری به طول انجامید. این مسجد هشت مناره و سه گنبد طلاکاری شده داشته است. اکنون ویرانه‌های آن باقی است. این مسجد، مسجد جامع سمرقند بود و به نظر می‌آمد که نام آن، از مدرسه‌ای گرفته شد که تیمور به نام همسرش ایجاد کرد. مسجد و مدرسه، هر دو در درون دیوارهای شهر در نزدیکی دروازه آهنین قرار داشت.

بنای دیگر، آرامگاه تیمور است که هنوز از آثار تاریخی سمرقند است. تیمور پس از لشکرکشی‌های فراوان، سرانجام در ۸۰۷ هجری در اترار مرد و با شکوه فراوان در سمرقند، پایتخت امپراتوری خود دفن شد. مزار او، اتاقی هشت گوش است که گنبدی با ۶۴ ترک دارد. شکل گنبد آن تحت تأثیر معماری آن زمان شیراز است و کاشی‌کاری رنگی ترک دارد. بنای دیگر، عشرت‌خانه بود که تیمور آن را در ۷۹۷ هجری ایجاد کرد.

از دوران تیمور در محدوده ایران امروزی، اثر هنری قابل توجهی به جا نمانده است. او بیشتر به سرزمین‌های ماورای سیحون، خراسان شمالی، سمرقند و بخارا توجه داشت. به خصوص که سمرقند پایتخت او هم بوده است. البته باید گفت که هنر این دوران، هنری ایرانی است. هنری که توسط سامانیان و خوارزمشاهیان پی‌ریزی شد و زمان سلجوقیان راه کمال را طی کرد و زمان تیموریان به دست توانای هنرمندان شیراز و اصفهان به اوج کمال خود رسید (توشراتو و گروه، ۱۳۷۶، ص ۳۵۲). چنانچه ملاحظه می‌شود، قدیمی‌ترین بناها در آسیای مرکزی قرار دارند که مصداق آشکار آن، مقابر شاه زند و گورستان سمرقند است؛ همان‌هایی که تیمور به زنده کردن آن پرداخته بود. الغ بیک نیز سالیان بعد، دروازه باشکوهی به آن افزود. وی شهر بخارا را که در زمان حمله مغول ویران شده بود تا حدی رونق بخشید؛ به گونه‌ای که وقتی سمرقند را دارالملک خویش کرد، بخارا که همچون سمرقند بود، تا حدی آبادی و اهمیت گذشته‌اش را به دست آورد (لسترینج، ۱۳۸۶، ص ۴۹۲).

آرامگاه‌های تیمور دو نوع است: ۱. ساختمان مکعب گنبددار با یک نمای پیشین مسلط؛ ۲. ساختمان چند ضلعی با گنبدی که بر روی ساقه بلند گنبد قرار داشت و در دو یا سه نمای آن، یک درب ورودی وجود دارد (دانشگاه کمبریج، ۱۳۸۲، ص ۳۲۳). در واقع، ویژگی آشکار ظاهری آرامگاه‌های نوع اول، مدخل تزئینی بود که قرار گرفتن این نوع آرامگاه‌ها در کنار بناهای مجاور آن، شکل، صورت و ظاهر آن را تعیین می‌کرد؛ اما در آرامگاه‌های نوع دوم به روشنی دیده می‌شد که بناهای مستقل و جداگانه بودند که از دو یا چند جانب به چشم می‌آمدند. از هر کدام از این مقبره‌ها، نمونه‌های بسیاری داریم. مثلاً آرامگاه تومان آقا، همسر تیمور که با طرح‌های خشت موزاییکی که احتمالاً کار کاشی‌کاران مهاجر ایرانی در سمرقند بوده، از نمونه نوع اول و مجموعه شاه زنده از نوع دوم است، که بناهای به نسبت متوسطی می‌باشد. در کنار نبوغ هنری ایرانیان، سلیقه تیمور هم در معماری آن دوران مؤثر بود. او همواره به دنبال ایجاد ساختمان‌های بلند و باشکوه بود که باید با سرعت زیاد ساخته می‌شد.

از زمان تیمور، مدرسه‌ای باقی نمانده است؛ ولی مدرسه الغ بیک در سمرقند، چگونگی کاربست سبک جدی را در این نوع ساختمان‌ها نشان می‌دهد. از آنجا که وظیفه اصلی مدرسه، تعلیم بوده؛ بنابراین، قسمت‌های ضروری آن حجره‌ها برای زندگی، اتاق‌های مباحثه و نمازخانه بوده است (همان، ص ۳۳۲). همچنین در اینجا، قاب‌بندی‌هایی از خاتم‌بندی

موزاییک و برجسته‌کاری گچ‌بری همراه با معرق وجود دارد؛ یعنی سبکی از پوشش بدنه که قبلاً در محراب مسجد جامع یزد به کار رفته بود. در این زمان، در معماری نوآوری‌هایی نیز صورت گرفت.

عصر پس از تیمور

عوامل بسیاری، از جمله تجمع ثروتی که تیمور فراهم آورده بود و تعداد زیادی از هنرمندان که در مناطقی مانند سمرقند گرد آمده بودند، سبب شد تا با حمایت کسانی همچون شاهرخ تیموری و همسرش گوهرشاد، آثار درخشانی از هنر، معماری، نقاشی و خطاطی پدید آید. گویی بازی روزگار، کار را با تیمور، فرزندان و جانشینان به آخر برده است که از پدری تا آن درجه خونخوار و زورگو، فرزندان چینی هنرپرور و فرهنگ دوست به وجود بیاید. چنانچه حتی علم و دانش نیز در این دوره، درخشش کوتاه مدت داشته است و رصدخانه الغ بیکی که با حمایت الغ بیک تیموری و با نظارت دانشمند بزرگ عصر، یعنی غیاث الدین جمشید کاشانی بنا شد، نمونه‌ای از این موارد است. بعد از مرگ تیمور، مملکت وسیع وی بین بازماندگانش تقسیم شد. آنها که در محیط دانش و هنر پرورده شده بودند، در قلمروی خویش در ماوراءالنهر، خراسان و عراق به پرورش هنر و تشویق و گردآوری هنرمندان پرداختند، از جمله شاهرخ که هرات را پایتخت خود کرد و آن را مهد هنر قرار داد.

جانشینان تیمور

شاهرخ میرزا، فرزند تیمور، بعد از مرگ پدر در ۸۰۷ هجری، وارث امپراتوری تیموری شد. وی از سال‌ها قبل، حکومت خراسان را به عهده داشته است. در واقع، دوره حکومت واقعی تیموریان با سلطنت شاهرخ آغاز شد. او درست نقطه مقابل پدرش بود؛ وی فردی فرهنگ دوست با رفتاری غیر نظامی و به شدت ترویج‌کننده هنر، معماری و فرهنگ بود. همین ویژگی‌ها در برخی از جانشینان شاهرخ نیز ادامه یافت و حتی کسانی، همچون الغ بیک از هنرمندان و دانشمندان عصر خود محسوب می‌شدند. شاهرخ به سرعت توانست قسمت بزرگی از مناطق ایران را که بعد از مرگ پدرش از هم پاشیده بود، دوباره متحد و یکپارچه کند. وی ماوراءالنهر را تصرف کرد و بر هرات، کابل و تمام خراسان مسلط شد. او بانی مدرسه و مصلاهی هرات نیز بوده است. هرات تا مرگ شاهرخ در ۸۵۰ هجری، پایتخت امپراتوری بود؛ بنابراین، نوزایی فرهنگی که در ماوراءالنهر رخ داده بود، سرتاسر خراسان را فرا گرفت. مدرسه بزرگ او در هرات،

از نظر زیبایی و بزرگی بی‌نظیر بود. در کنار آن، مقبره گوهرشاد، همسر شاهرخ قرار دارد. سبکی جدید در معماری با حمایت شاهرخ و همسرش گوهرشاد در شرق ایران رواج یافت (همان، ص ۳۶۴). ابن بطوطه در توصیف شهر هرات می‌گوید: «هرات بزرگ‌ترین شهرهای آباد خراسان است. شهرهای خراسان چهار است؛ دو تا آبادان و دو تا ویران. دوتای آبادان عبارت است از: هرات و نیشابور و دوتای ویران عبارت است از: بلخ و مرو. هرات شهری بزرگ و دارای ابنیه بسیار است. مردم این شهر، متدین، پاکدامن و حنفی مذهب می‌باشند و شهر هرات از هر گونه فسق و فساد مبرا است» (ابن بطوطه، ۱۳۵۹، ص ۴۳۳). این نشان می‌دهد که تیموریان در انتخاب پایتخت زیرکی خاصی داشتند. مسجد هرات نیز مورد توجه گردشگران بوده است، از جمله ابن حوقل در سفرنامه خود پس از تعریف از شهر هرات و توضیح در مورد ظاهر شهر، از مسجد جامع آن سخن می‌گوید: «مسجد جامع در خود شهر و پیرامون آن بازارهاست و زندان در پشت قبله مسجد جامع قرار دارد. در سراسر خراسان، ماوراءالنهر، سیستان و جبال، مسجدی آبادتر از مسجد هرات، بلخ، سیستان و جبال وجود ندارد» (ابن حوقل، ۱۳۶۶، ص ۲۱۹). مسجد گوهرشاد نیز که در کنار آرامگاه امام رضا - علیه السلام - در مشهد است، تأثیر سبک ماوراءالنهر را نشان می‌دهد. بزرگ‌ترین بنای تاریخی دوران شاهرخ و یکی از درخشان‌ترین آثار معماری ایرانی است، که به نام بانی آن، همسر شاهرخ مشهور شد. این مسجد با حمایت مالی گوهرشاد تکمیل شد و معمار آن، قوام‌الدین زین‌الدین شیرازی بود. معمار برجسته دربار شاهرخ که در معماری، مهندسی، طراحی و حتی نجوم بی‌نظیر بوده است. ساخت بنا از ۸۲۱ هجری آغاز شد و دوازده سال طول کشید. صحن مسجد، کاشی‌کاری چند رنگی و درخشان داشته که مورد ستایش بازدیدکنندگان و به خصوص گردشگران اروپایی قرار می‌گرفته است. مسجد دارای مصلاهی بزرگ و محلی مناسب برای تجمع مردم در عید فطر و قربان بوده است. ایوان شبستان، سفید یک‌دست است و در آذین حیاط آن از همه سبک‌های تزینی استفاده شده است. در گوشه‌ای، کتیبه‌های این مسجد و در سمت ایوان مقصوره آن، کتیبه‌ای از بایسنقر میرزا از شاهزادگان تیموری وجود دارد که خود از خطاطان بزرگ عصرش بوده است. بدون اغراق، اوج هنر و تکنیک کاشی‌کاری این دوره ایران را می‌توان در این بنا مشاهده کرد. در این بنا، مناره در جوار ساختمان قرار دارد. پیش از این، مناره‌ها بر فراز دیوارها قرار داشت و این سبک احتمالاً از سبک معماری هند گرفته شده است.

از بناهای دیگر، مدرسه خرگرد (یا خوارگرد) بود که به دست غیاث‌الدین شیرازی ساخته شد. بنا، آذین‌های نقاشی شده، گچ‌بری‌های کتیبه‌ای زیبا، کاشی‌کاری‌های معرق و مانند آن دارد. این بنا، در زمان شاهرخ و به دستور پیراحمد خوافی وزیر ساخته شد.

ساختمان دیگر، بقعه شمس‌الدین در یزد است که با گچ‌بری نقاشی شده آراسته شده است (آیت‌اللهی، ۱۳۸۰، ص ۲۶۴). مدرسه غیاثیه نیز از قدیمی‌ترین مدارس ایران به شمار می‌رود. مدرسه‌ای که مخصوص شافعیان بود. مدرسه مظفریه در مسجد جامع اصفهان که به همراه یک عمارت بزرگ است. مدرسه امامیه اصفهان که عمارت به نسبت متوسطی محسوب می‌شد؛ ولی همه نیازمندی‌ها و لوازم یک مدرسه را داشت. مسجد کبود تبریز هم تقریباً هم‌زمان با ساختمان «درب امام» اصفهان بنا شد و در اثر زمین لرزه‌ای فرو ریخت. اثر دیگر، مسجد شاه در مشهد است. مدرسه شاهرخ در مشهد نیز از آثار همین دوره است. در شهر ترکستان، مسجد احمد یسوی با نقشه حاجی حسین شیرازی بنا شد.

به طور کلی، در زمان شاهرخ، بناهای بسیار ساخته شد. به طور عمده، این بناها نوعی وحدت معماری و تزیینی، مانند کاشی‌کاری و نقاشی دارند. همه بناهای با ارزش در منطقه افغانستان امروزی ساخته شد؛ در بلخ، مزار خواجه ابونصر پارسا؛ در هرات، آرامگاه گوهرشاد؛ بخشی از مصلا که به وسیله قوام‌الدین شیرازی ساخته شد و نیز عبادتگاه خواجه عبدالله انصاری در هرات در ۸۳۱ هجری توسط شاهرخ بازسازی و تعمیر شد. در واقع، شکوفایی هنر تیموری در عصر شاهرخ اتفاق افتاد (میرجعفری، ۱۳۸۱، ص ۱۲۹).

زمان کار معمار قوام‌الدین شیرازی (۸۱۳-۸۴۲ ق) دقیقاً با زمان شاهکار آفرینی‌های برونشلی، معمار برجسته و صاحب نام ایتالیایی مصادف بوده است. هنگامی که آخرین ردیف‌های گنبد بزرگ کلیسای جامع فلورانس به قطر ۴۲ متر در سال ۸۱۵ هجری زده می‌شد، همه مردم فلورانس به حیرت ایستاده بودند؛ اما اگر قوام‌الدین معمار در میان آن جمعیت حضور داشت، دچار شگفتی نمی‌شد، زیرا گذشتگان او چنین فنونی را نزدیک به یک قرن پیش در گنبدهای کوچک‌تر (گنبد سلطانیه، ۷۰۵-۷۱۳ ق) به کار برده بودند. قوام‌الدین معمار، در رأس گروهی از معمارانی بود که معماری ایران را در یک مسیر تازه انداختند. درست به همان روشی که برونشلی و همکارانش در مورد معماری اروپا عمل کردند. اما

قوام‌الدین از آنچه در معماری ایتالیا اتفاق می‌افتاد، کمترین اطلاعاتی نداشت. ذوق هنر معماری در دوره تیموری در مرحله نخست، در طرح انواع جدید بنا و یا تکمیل اقسام قبلی تجلی نکرد؛ بلکه در تجربه‌اندوزی آنان در تزیین و انواع طاق‌زنی جلوه نمود. نوعی طاق‌زنی وجود داشت که به احتمال قوی از نبوغ قوام‌الدین معمار سرچشمه گرفته بود (گلجان، ۱۳۸۳، ص ۱۱۱).

شاهرخ سه نفر از فرزندان خود را جانشین مناسب امپراتوری خود کرد: الغ بیک در آسیای میانه (سمرقند)، بایسنقر میرزا در خراسان (هرات) و سلطان ابراهیم در فارس (شیراز). قدرت تیموری پس از مرگ شاهرخ در ۸۵۰ هجری، در نتیجه جنگ‌های خانگی بر سر قدرت و جنگ‌های مداوم و پیوسته با ترکمانان و ازبکان، رو به تباهی و اضمحلال گذاشت. اما این تباهی و زوال، هنرها را از شکوفایی، به ویژه در هرات و سمرقند باز نداشت. پس از مرگ شاهرخ، الغ بیک که حاکم ماوراءالنهر بود، جانشین او شد. بنا به دستور او، در سمرقند رصدخانه‌ای بنا گشت که به رصدخانه الغ بیک معروف شد (۸۲۴-۸۴۱ ق) که آثار به جا مانده آن، هنوز در سمرقند موجود است. دولت‌شاه سمرقندی در تذکره الشعراء، از مدرسه بسیار خوب و زیبای الغ بیک در سمرقند نام برده است (همان، ص ۱۱۲). در دوران سلطان حسین بایقرا (که از ۸۷۲ تا ۹۱۲ هجری در هرات حکومت کرد)، افرادی مانند میر علیشیر نوایی، پیشرو ادبیات ترکی شرقی؛ جامی، شاعر بزرگ ایرانی؛ میرخواند و خواندمیر، مورخان نام‌آور این دوره؛ بهزاد، شاه مظفر، قاسمعلی، میرک نقاش و عبدالرزاق، نقاشان بلندآواز، زندگی می‌کردند. اینها تنها نام چند تن از افرادی است که در این دربار حضور داشتند. همچنین سلطان حسین بایقرا در مزارشریف، عبادتگاهی را به نام حضرت علی -علیه السلام- در سال ۸۸۶ هجری در پیرامون بقعه علی -علیه السلام- به پا کرد. وی مدرسه و کتابخانه بزرگی در هرات ساخت که کسی تا آن زمان، کسی مانند آن را ندیده بود (همان، ص ۱۱۴).

آثار معماری تیموری در ایران بسیار کم باقی مانده است. مسجد جامع یزد، محرابی دارد که در تاریخ ۷۷۷ هجری ساخته شده است. این بنا احتمالاً از بهترین بقایای بناهای متقدم تیموری است؛ اما تزیین درب ورودی آن، بازسازی و تعمیر شده است.

در دوره تیموریان، نوآوری‌هایی از نظر ساختمان‌سازی به وجود آمد. مساجد این دوره اصولاً بر اساس پلان و طرح مساجد سلجوقی ساخته می‌شد (توشراتو و گروه، ۱۳۷۶، ص ۴۰). مهم‌ترین کمک تیموریان در عالم معماری در تزیین ساختمان‌ها بود. گرچه از نظر زمانی، عنصر تزیینی معماری اسلامی به سنت ماقبل تیموری تعلق داشت، ولی هرگز به اهمیت و برجستگی این چینی دست نیافته بود. به طور کلی، بناها در این دوره باز هم بر پایه شکل‌ها و ساختمان‌های دوره سلجوقی استوار است؛ ولی در سایه تسلط مغولان، مقیاس و عظمت تازه‌ایی یافته و در تزیین بناها توجه بسیار شده است. بیشتر بناها به صورت چهار ایوانی با ایوان‌های بلند و سردرهای مزین به مقرنس‌کاری‌های بسیار زیبا است و تزیین‌ها، به طور عمده شامل کاشی‌کاری‌های زیبا و باشکوه، معرق و هفت‌رنگ است. گنبد‌های پیازی شکل و شیاردار، از ویژگی‌های بناهای خاص دوره تیموریان است. معماری این دوره، کمال کاربری رنگ در معماری است، که نمونه‌های آن را می‌توان در کتیبه‌های کوفی، ثلث و نسخ به رنگ طلائی و در زمینه کاشی‌های آبی مشاهده کرد.

به گفته آ. پوپ: «گرچه بیشتر بناهای تیموری در شمال کشور ساخته شده است؛ ولی نبوغ معماری و آذین‌گری در انحصار شیراز و اصفهان بود. بهترین طراحان و صنعتگران غرب، مرکز و جنوب ایران به خدمت تیموریان در آمدند و شرق و شمال ایران را از نظر معماری غنی کردند. لیکن با سلطه جهان‌شاه قراقویونلو بر غرب و مرکز و جنوب ایران، اصفهان توانست در آذین با کاشی معرق، از دیگر شهرهای ایران پیشی گیرد» (آیت‌اللهی، ۱۳۸۰، ص ۲۶۵).

هنر نیز مانند دو پدیده دیگر اجتماعی، تحت تأثیر اوضاع و احوال اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زمان خود به وجود می‌آید. تیمور با پیروزی بر بسیاری از سرزمین‌ها و مردان سیاسی زمان خود، ثروت کلانی به دست آورد. بناهای زیبا و پرشکوه این عصر نشان‌دهنده آن است که در زمان تیمور و فرزندانش، شرایط اقتصادی مناسبی برای به وجود آمدن این آثار وجود داشته است. در مجموع، معماری عصر تیموری، اصالت خاص و خصوصیت‌های ویژه‌ای داشته است (میرجعفری، ۱۳۸۱، ص ۱۲۹). در حقیقت، هنر معماری عصر تیموری، زمینه‌ای است که هنرهای دیگر، مانند نقاشی، گچ‌بری، مقرنس‌کاری و کاشی‌کاری بر آن قرار گرفته است.

آثار به جای مانده از عصر تیموریان در نقاط دیگر ایران

برخی از نوادگان تیموری که در شهرهای مختلف ایران حکومت می‌کردند، افراد با ذوقی بودند که به تناسب حال خود و برای ایجاد آثار تاریخی، همواره هنرمندان را مورد تشویق قرار می‌دادند. اگر چه بهترین و بیشترین آثار به جای مانده از جانشینان تیمور، مربوط به معماری و کاشی‌کاری موجود در بناهای ماوراءالنهر و خراسان است؛ ولی در نقاط دیگر ایران هم آثاری از این دوره مشاهده می‌شود، که کتیبه‌های تاریخی مسجد جامع ورزنه در استان اصفهان و کتیبه تاریخی سردر بیت‌الشتای مسجد جامع اصفهان و نیز عمارت چهار مؤمن یا تالار تیموری در شهر اصفهان، از آن جمله است. کتیبه تاریخی سردر مسجد ورزنه، به خط ثلث سفید بر زمینه لاجوردی نوشته شده و در آن، نام شاهرخ بهادرخان و محمود بن مظفر ورزنه‌ای، ملقب به عماد و نام خطاط آن، سید محمود نقاش و نام معمار آن، حیدر بن حسین، بنای اصفهانی و نام استادکار آن، علی بن صدرالدین صفار آمده است.

کتیبه تاریخی سردر بیت‌الشتای مسجد جامع اصفهان به سال ۸۵۱ هجری در دوران حکومت محمد، پسر بایسنقر، به خط ثلث سفید، معرق بر زمینه لاجوردی و به خط سید محمود نقاش نوشته شده است. در اصفهان، از دوره حکومت امیرزاده رستم بن عمرشیر بن تیمور، اثری برجای مانده که امروزه به نام «تالار تیموری» شهرت دارد و در روزگار صفویه با الحاق‌هایی مورد استفاده صفویان بوده است. در واقع، این بنا، قصر حکمرانی رستم بن عمر شیر بوده که بیش از سی سال در اصفهان حکومت کرده و همواره مورد توجه جد خود، تیمور و سپس جانشین او، شاهرخ بوده است. تزئین‌های تالار تیموری، بیشتر از نوع قطاربندی‌های گچی است که به تدریج بر تزئین‌های آن افزوده‌اند. البته در دیگر نواحی ایران نیز آثاری از دوره تیموریان بر جای مانده است.

در عهد تیمور و جانشینان او که با وجود جنگ‌ها و لشکرکشی‌های خونبار، توجه بسیاری به هنر داشتند، می‌بینیم که عنصر ایرانی بودن در هنر برتری یافته و تأثیر بیگانه‌ای را نمی‌بینیم. در دوران گورکانیان - که از نوادگان تیمور در هند بودند - سه جریان هنری همزمان رواج داشت که یکی، مدرسه بغداد یا جلایری بود که در رأس آن، جنید سلطانی قرار داشت. دیگری، مدرسه تبریز بود، که این دو مدرسه در اواخر سده هشتم در اوج شهرت بودند و بعد از آن، مدرسه تیموری سمرقند بود.

آثار این دوره، آغازگر دوره بعدی، یعنی مکتب هرات است. چنان که بیان شد، بعد از تیمور، فرزندش شاهرخ، هرات را پایتخت قرار داد. در زمان او، کتابخانه‌ها رونق یافت و هنرمندان به هرات روی آوردند. در زمان بایسنقر، فرزند شاهرخ، مدرسه گورکانی در هنر به اوج خود می‌رسد. خود وی خطاط و نقاش بود و مدرسه هرات، بزرگ‌ترین مرکز فرهنگی و هنری زمان خود شد. با وجود اینکه بیشتر فرمانروایان، امیران و شاهزادگان تیموری، هنر را گرامی می‌داشتند و به احیای هنر می‌کوشیدند، اما گاهی خطرهایی هم متوجه این گروه و آثارشان می‌شد. مثلاً وقتی تیمور در سال ۸۰۷ هجری به سمرقند بازگشت و دید که ایوان مدرسه «سرای ملک خانم» را بلندتر از ایوان مسجد جامع ساخته‌اند، دستور داد تا هر دو معمار آن، یعنی خواجه داود و محمد جلد را به قتل برسانند (همان، ص ۱۱۶).

اگر چه پرورشگاه تمام این هنرها در عهد تیمور، سمرقند و در عهد شاهرخ و جانشینان وی، شهر هرات بود؛ اما شهرهای بلخ، بخارا، مشهد، قزوین، اصفهان، شیراز و تبریز نیز از مراکز بزرگ و با شکوه این رنسانس هنری بوده است. با ظهور هنر تیموری، هنری شکوفا شد که نه تنها در ماوراءالنهر و شرق ایران در زمان تیمورلنگ (۸۰۷-۷۳۶ ه.ق/۱۴۰۵-۱۳۳۵م) و نوادگان او، بلکه به طور همزمان در غرب ایران نیز تحت حکومت سلسله‌های ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو به اوج خود رسید. مکتب هرات که نشانگر دوره هنری این تمدن (به خصوص هنر نقاشی) بود، در هنر مغولان هند تأثیری جدی به جا گذاشت.

بناهای عصر تیموری در تربت جام

شیخ احمد جامی، از عرفای اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری است؛ اما ساختمان مزار این عارف مشهور در تربت جام به قرن نهم و دوره تیموریان تعلق دارد و در دوره‌های بعد با اضافه‌هایی به صورت فعلی در آمده است. همچنین ساختمان مسجدی که به نام «گنبد سفید» در این شهر شهرت دارد، در سال ۶۳۲ هجری بنا شد و پس از آن، در سال ۷۰۳ هجری به امر ملک غیاث‌الدین محمد کرت، وسعت یافته است. احداث بنای مدرسه دیگری را که آثار آن در حال حاضر کم و بیش دیده می‌شود، به دوران امیر تیمور نسبت می‌دهند. همچنین ساختمان بنای مسجد بزرگی که در کنار بقعه قرار دارد، متعلق به زمان شاهرخ است. احداث مسجد در سال ۸۴۶ هجری به پایان رسیده است (همان، ص ۱۳۲).

فعالیت معماری در قلمروی سلسله‌های ترکمان

پس از تیمور، آل جلایر و سپس ترکمانان قراقویونلو با قدرت تیموری در افتادند. تجدید فعالیت معماری با ابتکار ترکمانان صورت گرفت. تبریز، پایتخت قراقویونلوها شد و اصفهان را نیز جهان‌شاه در ۸۵۶ هجری اشغال کرد و درب امام را در آنجا ساخت تا مقبره امامزاده ابراهیم بطحاء و زین‌العابدین را در بر گیرد.

از آثار مهم زمان جهان‌شاه قراقویونلو نیز مسجد معروف کبود در تبریز است که صالحه خانم، دختر وی آن را بنا نهاد. مسجد، کاشی‌کاری بی‌نظیر و بیگانه‌ای دارد. جهان‌شاه دو سال پس از تکمیل مسجد کبود، در جنگ با اوزون حسن، رهبر سلسله رقیب ترکمان، آق قویونلو کشته شد. اوزون حسن، غیر از مرمت مسجد جامع اصفهان، بنای دیگری در تبریز بنیان نگذاشت (دانشگاه کمبریج، ۱۳۸۲، ص ۳۷۸).

میراث تیموریان در اختیار صفویه

معماری صفوی و یا نقاشی و خطاطی آنها، کاملاً ادامه میراثی است که از تیموریان باقی مانده است، به خصوص که صفویه با حمایت گسترده خویش، این میراث را درخشان‌تر نموده و باعث رشد و گسترش آن شدند.

یکصد و پنجاه سال تهاجم

از فاجعه تهاجم چنگیز تا یورش‌های مصیبت‌بار تیمور، تقریباً یکصد و پنجاه سال به طول انجامید. سپس در پایان یک قرن که از پایان زندگی تیمور می‌گذشت، ایران و اسپین‌دوران ملوک الطوائفی (یا حکومت‌های کوچک محلی) خود را پشت سر گذاشت و وارد دوره صفوی شد، که مورخان جدید، غالباً آن را اعتلای ایران به مرحله دولت ملی خوانده‌اند.

نتیجه‌گیری

مقارن انحطاط و اضمحلال ایلخانان و حکومت‌های محلی بازمانده از آن دوران، یک سلسله تهاجم‌های تازه‌ای از ماوراءالنهر با لشکر خونریز تیمور به سوی ایران به حرکت درآمد که تمام خراسان، جبال یا همان منطقه غرب ایران و فارس و قسمتی از نواحی مجاور را در سیل خون انداخت. بار دیگر، قتل و غارت، شهرهای آباد و پرجمعیت ایران را

فرا گرفت. تیمور علاوه بر ایران، روسیه، سوریه و هند را هم مورد لطف خود قرار داد! تیمور با همه سنگدلی و خشونت‌ی که داشت، از آنجا که در محیط دانش و هنر تربیت یافته بود، بعد از انتخاب سمرقند، به عنوان پایتخت در ۷۷۱ هجری، این شهر را به مجمع دانشمندان و هنرمندان تبدیل کرد. هنرهای مختلفی در زمان تیمور رواج یافت. هرات هم که مهم‌ترین شهر خراسان بود، اوج شکوفایی‌اش به زمان تیموریان و به خصوص، بعد از تیمور برمی‌گردد. هرات به دارالعلم بزرگی تبدیل شده بود.

پس از درگذشت تیمور، شاهرخ در سال ۸۰۷ هجری به حکومت رسید و پس از وی، به ترتیب الغ بیک، ابوسعید و سلطان حسین میرزا به حکومت رسیدند. در دوره شاهرخ، درباره آرامش به ایران بازگشت و ابداع آثار هنری، مانند معماری بار دیگر شکوفا شد. در واقع، می‌توان گفت که فرمانروایی شاهرخ در هرات، مقدمه دوران پرشکوهی است که می‌توان آن را رستاخیز هنر ایرانی عهد تیموری نام نهاد.

در پایان عهد تیموری، سلسله‌های جداگانه‌ای، مانند آق قویونلوها و قراقویونلوها در ایران به وجود آمدند و هنوز پنجاه سال از ظهور تیمور نگذشته بود که شهرهای ایران، به جز خراسان، از دست تیموریان خارج شد. تیمور پس از کشورگشایی‌های خود، شهر سمرقند را به پایتختی انتخاب کرد و برای آبادانی پایتخت خویش، معماران و هنرمندان را به سمرقند دعوت کرد. این هنرمندان به ایجاد بناهای متعدد اقدام کردند و سرانجام در قرن نهم، سمرقند مرکز ابداع هنرهای اسلامی شد. هنرمند بزرگ، قوام‌الدین شیرازی، معمار معروف قرن نهم هجری، در ایجاد بناهای عام‌المنفعه، سهم خاصی دارد.

تیموریان نیز مانند ایلخانیان به ایجاد بناهای مذهبی و غیر مذهبی، علاقه نشان دادند و از نظر طرح و شیوه معماری، از نقشه‌ها و طرح‌های متداول آن زمان بهره بردند. از نظر تزیین بناها، این دوره از ادوار مهم اسلامی است. شیوه تزیین با کاشی معرق در عهد تیموری، نشانگر آن است که هنرمندان این دوره در شیوه تزیینی به حد اعلای مهارت، دست یافته بودند؛ به طوری که در کمتر دوره‌ای، این چنین تزیین کاری مشاهده شده است. مساجدی، مانند گوهرشاد مشهد، کبود تبریز، مدرسه خرگرد خراسان، مسجد جامع تیمور در سمرقند و همچنین بناهای ساخته شده در بخارا و هرات، نشان‌دهنده برجستگی هنر کاشی‌کاری و کاربرد آن در بناهای مذهبی است. در واقع، نهضت خاصی که تیموریان در هنر

پدید آوردند، پس از سقوط حکومت آنها از میان نرفت، به خصوص که پادشاهان صفوی هم در تشویق و ترغیب هنرمندان، دست کمی از تیموریان نداشتند. گورکانیان هند هم همواره اهل هنر را گرامی می‌داشتند. به این ترتیب، مقدمه نهضت علمی، ادبی و هنری بزرگی پدید آمد که در عهد صفویه به اوج خود رسید.

فهرست منابع

۱. آزادی‌ور، هوشنگ (۱۳۷۹)، *بدیبه‌سازی: شیوه بیان هنری در ایران*، پژوهش‌های درمائی هنر سنتی ایرانی و اسلامی، تهران: تیبیان.

۲. آیت‌اللهی، حبیب‌الله (۱۳۸۰)، *کتاب ایران: تاریخ هنر*، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.

۳. ابن بطوطه (۱۳۵۹)، *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمه محمدعلی موحد، ج ۱، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۴. ابن حوقل (۱۳۶۶)، *سفرنامه ابن حوقل (ایران در صوره الارض)*، ترجمه جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.

۵. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۷۳)، *ممالک و مسالک*، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، بی‌جا: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

۶. توشراتو، امیر و ارنست، گروبه (۱۳۷۶)، *تاریخ هنر ایران (۹) هنر ایلیخانی و تیموری*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات مولی.

۷. دانشگاه کمبریج (۱۳۸۲)، *تاریخ ایران دوره تیموریان*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی.

۸. شامی، نظام‌الدین (۱۳۶۳)، *ظفرنامه*، تهران: بامداد.

۹. کیانی، محمد یوسف (۱۳۷۹)، *تاریخ هنر و معماری ایران در دوره اسلامی*، تهران: سمت.

۱۰. کلاویخو (۱۳۷۴)، *سفرنامه کلاویخو*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۱. گلجان، مهدی (۱۳۸۳)، *میراث مشترک (نظری اجمالی برحوزه فرهنگ و تمدن شرق ایران و ماوراءالنهر)*، تهران: امیرکبیر.

۱۲. لسترنیچ، گای (۱۳۸۶)، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۳. میرجعفری، حسین (۱۳۸۱)، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و

ترکمانان، تهران: سمت و اصفهان: دانشگاه اصفهان.

۱۴. و.و. بارتولد (۱۳۶۶)، ترکستان‌نامه، ترجمه کریم کشاورز، ج ۲، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.